

تذکرہ

تذکرہ

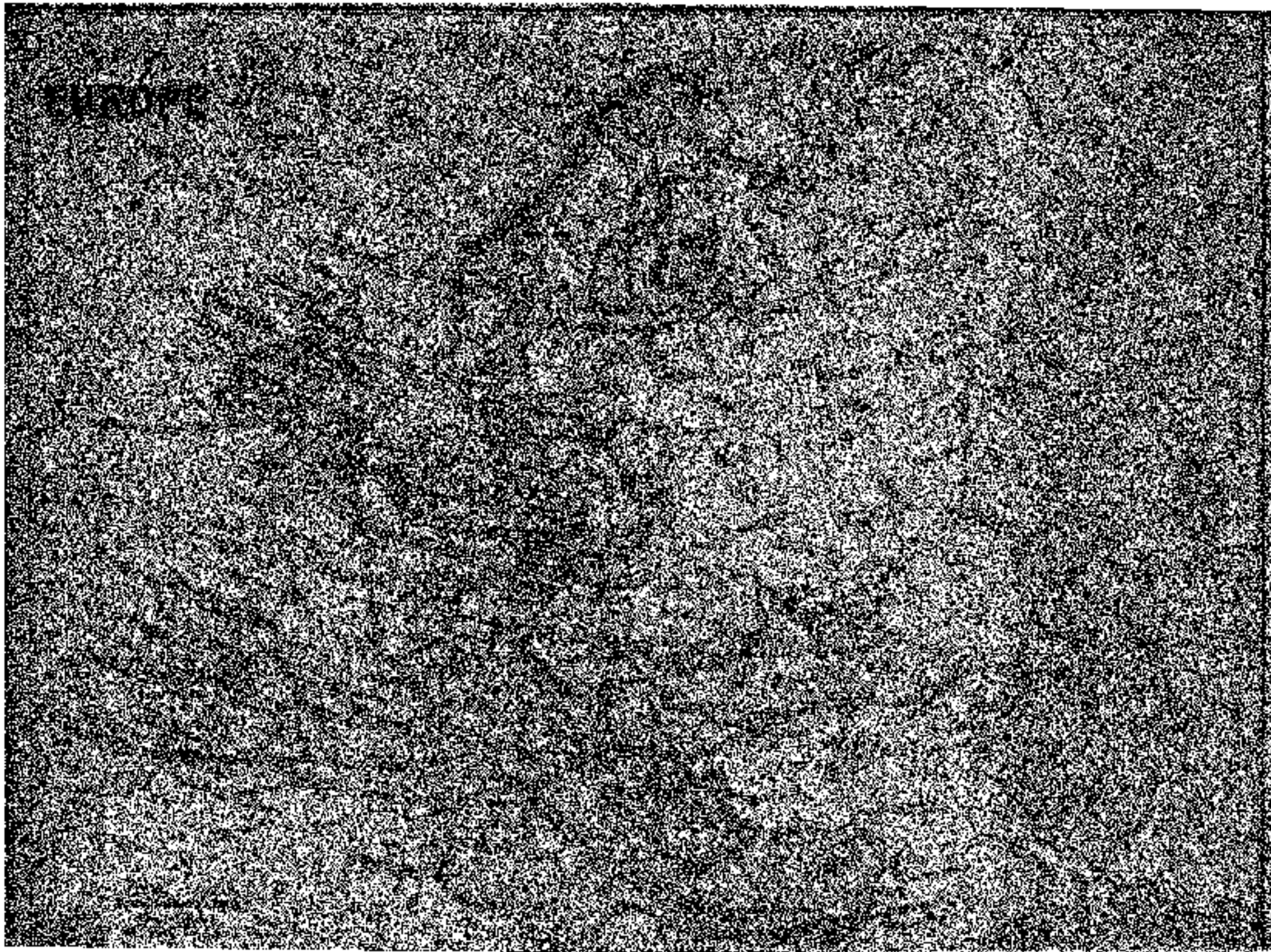
تذکرہ

اسفار مولیٰ الاخیار
الی ممالک الغرب
بمسئزہ والاقتدار

بمذکرہ

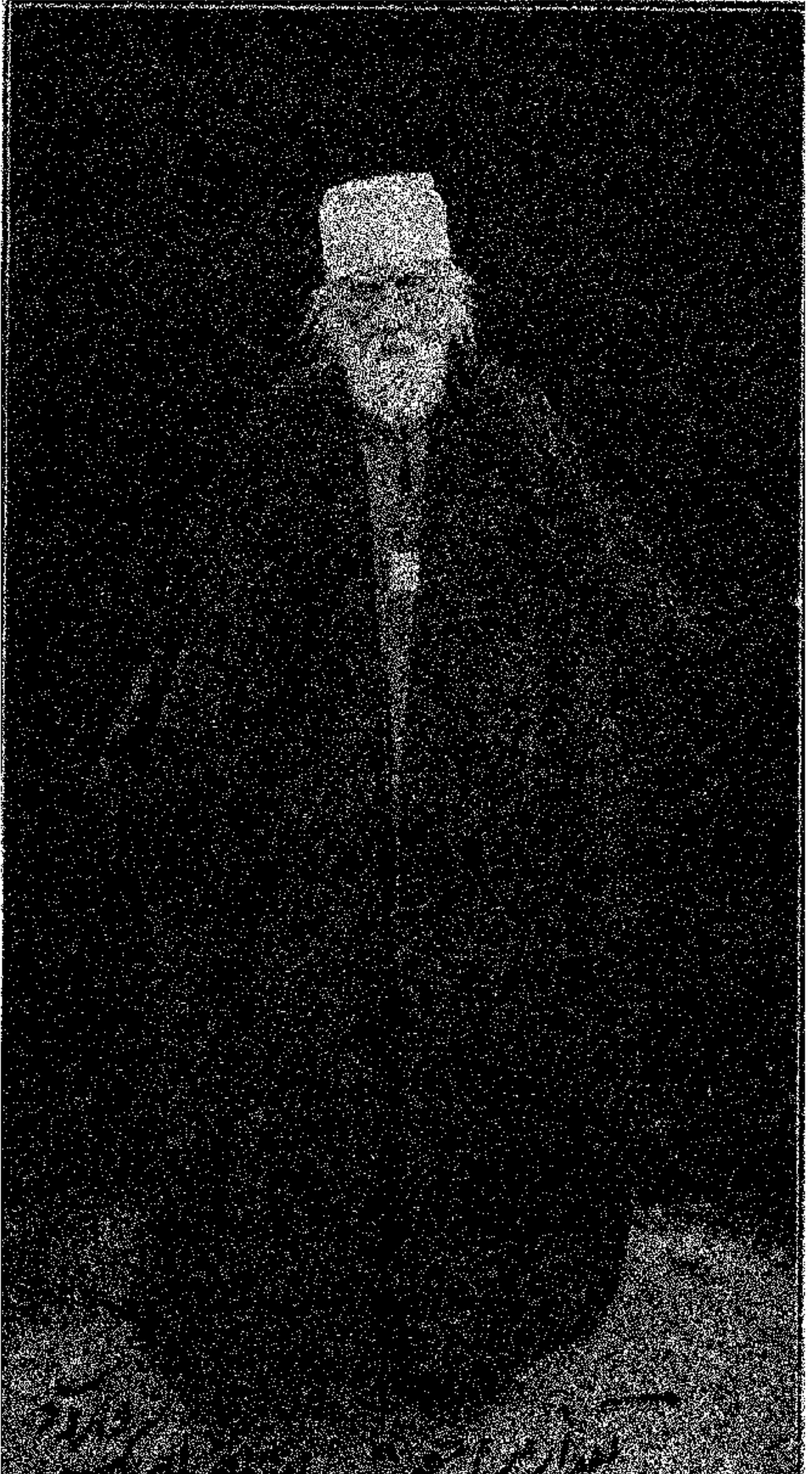
دکریہ پریس ۱۳۴۱ھ مطابق ۱۹۲۱ء

محقق طبع مکتبہ





Abdul Baha's Photograph taken at Chicago during his sojourn in America
by Mr. A. C. Killius C. S. A.



فهرست کتاب بیع الاثار جلده ثانی

۳۰	ذکر زنان حقوق طلب انگلستان	۷	مقدمه کتاب از صفحه ۲ تا صفحه ۷
۳۱	تشریف ثانی مستر برون با همش	۸	بیان مبارک بعد از حرکت از نیویورک
۳۲	تشریف فرمائی بتالار هتل وست منتر	۱۰	خطاب مبارک بسکی از رکاب کشتی
۳۵	اخوت بشری محبت الهی	۱۵	ذکر اجرت مزدوران کسپانیها
۳۶	ذکر زنان حقوق طلب در لندن	۱۸	بیان مبارک در باره فلاسفه غرب
۳۹	خطاب مبارک بسکی از وقایع نگاران	۱۹	مسافرن کشتی و خطابه مبارک
۴۰	ذکر حرب بالکان که عالم گیر شود	۲۰	ورود موکب مبارک با سکه لیوپول
۴۲	معنی شیطان و منازعه بتا	۲۰	تشریف وقایع نگاران جرمنی
۴۳	انجمن لشکر نجات و فقرای لندن	۲۲	مضمون بعضی روزنامه ها و ذکر بحیاتیها
۴۳	بیان مبارک در مسئله تناخ	۲۳	انجمن تیاسیفهای لیورپول
۴۵	مشق و بیان مبارک در پارک لندن	۲۴	تشریف فرمائی بکلیسای پیروک
۴۶	محل زنان و اطفال فقرای لندن	۲۶	عنایت مبارک از لیورپول بلندن
۴۷	رسیدن منزل بیدی بلا منسید	۲۷	بزم تبریکت ورود مبارک در لندن
۴۸	اختلاف نفوس بر دو قسم است	۲۸	بیان مبارک در مجمع صیبه گاه
۴۹	تشریف فرمائی بکلیسای کینگزوی هوس	۲۹	تشریف مستر برون در منزل مبارک

۷۳	مخاض تیا سیفهای ادین بورک	۵۰	تشریف بردن بدار الفنون اسفرد
۷۵	هنگام عزیت مبارک از ادین بورک	۵۳	صورت مقاله پروفیسر حسینی
۷۷	مخاض خطابه مبارک در گلستان ایل	۵۵	تشریف فرمائی انجمن روحانیون
۷۸	مخاض ضیافت سرریچارد استغلی	۵۶	دعوت و ضیافت مستر مدلی
۷۹	تذکرات در محفل ضیافت	۵۷	مخاض زمان حقوق طلب و خطابه مبارک
۸۲	تشریف فرمائی بمخاض صلح در لندن	۶۰	بیان مبارک باجای لندن
۸۳	روزنامه های ادین بورک در سارنجان	۶۱	مسافرت مبارک با سکا تلند
۸۴	تشریف فرمائی بکلیسای کانگرگیشن	۶۲	خطاب مبارک بنجام حضور و ورود با سکا تلند
۸۵	عزیت بریل و کلفتن بمخاض خطابه مبارک	۶۳	تشریف بردن بدرسه خیرانی
۸۶	تشریف و حضور شریان در محضر اطره	۶۴	تشریف فرمائی بانجمن اسپرنتو در فرسن آل
۸۷	مراجعت موبک مبارک بلندن	۶۵	مجمع الصنائع و مدرسه اطفال فقرا
۸۸	مجمع خطابه مبارک در مسجد دو کینگ	۶۶	مخاض خطابه مبارک در رثنی ایل
۹۰	حکایت از تیاتر آسمانی	۶۷	بیان یکی از روزنامه ها در آخر صوفی
۹۱	نطق مبارک در مجمع صیجگاهی	۶۸	بیان رئیس اساقفا ادین بورک
۹۳	ضوضاء مخالفت خلق سبب اعلاء امر	۶۹	تشریف تلامذه هند بحضور مبارک
۹۴	مخاض دعوت یکی از راجه های هندوستان	۷۱	مخاض نغمه و ساز فقرای ادین بورک
۹۶	پیام مبارک با حبسای هونولولو	۷۲	مجمع زمان حقوق طلب و مخالفین آنها

۳۷	تشریف فرمائی بانجمن تیا سیفا	۹۷	محل خطاب مبارک در مجمع صلح
۱۳۹	تلمکراف مبارک و حکایتی از آیام بازندگان	۹۸	خطاب مبارک در جریده کرهن گلستان
۱۴۲	بیانی از تاریخ بعد از صعود مبارک	۱۰۰	غزیت مبارک بسمت پاریس
۱۴۵	مضمون یکی از نقطه های مبارک	۱۰۱	بیان مبارک به وطنان محترم
۱۴۸	گواهی غیر بهانیان درباره دلبر پیمان	۱۰۳	بیان مبارک از رجال محترم ایران
۱۵۰	بیان مبارک درباره تربیت اطفال	۱۰۵	بیانات مبارک راجع بمملکت ایران
۱۵۱	ذکر ریاضت و گوشه نشینی	۱۰۷	بیانی درباره مالک ترکیا
۱۵۲	تشریف فرمائی بمحل روحانیون	۱۰۸	ذکری از وزرای سابق ایران
۱۵۶	ذکری از آیام عبد الحمید خان	۱۱۲	تشریف رشید پاشا و شرحی از آیام حکومتش
۱۵۷	محل بهانیان در منزل هو سیو و دام بکا	۱۱۴	عزت علماء و فقهای ایران
۱۵۸	بیان مبارک درباره مرحوم قائم مقام	۱۱۵	تشریف تلامذۀ ایرانی بحضور مبارک
۱۶۰	بیان عمل و اجزای صلح عمومی	۱۱۸	تشریف فرمائی بمحل اطفال فقهای پاریس
۱۶۱	گفتگوی مبارک در بستر نقابت	۱۳۴	تشریف بعضی از ایرانیان محترم
۱۶۲	وام رؤسای دین سبب بیدینی شد	۱۳۱	بیانی از تاریخ اوائل اسلام
۱۶۳	فرمایشات سبب گاهای یکل اقدس	۱۳۲	بعضی از بیانات مبارک در مجمع اسپرنتو
۱۶۶	ترجمه مقابله پرده فسوفی	۱۳۴	ذکری از قدرت جمال الهی و ضعفی محیی
۱۶۸	لوح مبارک منبع خطابت پرده فسوفی	۱۳۵	لطیفات محیی در کتابخانه اروپا

۲۱۱	محل بهائیان آلمان در محضر دلبرپایان	۱۶۹	تشریح حجت‌های آلمان در پاریس
۲۱۵	در سه احوال بهائیان آلمان	۱۷۰	جواب عیضه سس وایت اسکاتلندی
۲۱۷	بعض بیانات مبارک باج‌های آلمانی	۱۷۳	نطق مبارک درباره کسالت مزاج آنگلی
۲۱۹	در امر بهائی رهبانیت نیست	۱۷۵	خطاب مبارک بستر برون
۲۲۱	بزم لغا و جذبه اجبار در حدیثه غلبا	۱۸۵	ذکر کعب الاخبار و ارم ذات عباد
۲۲۲	تشریح یکی از قسیت‌های آلمانی		بیانی از تقدیس و انقطاع و صد اصحاب
۲۲۳	محل تبرکت مسافرت مبارک بخاک آلمان	۱۸۹	خطاب مبارک بسلامه ایرانی
۲۲۴	تشریح فرمائی مبارک کن تایم (بیلاق)	۱۹۲	بیان مبارک درباره عید نوروز
۲۳۵	عنایت مبارک بهمت پداهنگار	۱۹۵	مکتب آئینه در تبعید طلعت اصدیه
۲۲۷	خطاب مبارک با کابر بدایت	۱۹۶	بیانات مبارک درباره امور آئینه
۲۲۸	عبور مبارک از نهر انوب و ذکر تیا سفها	۱۹۸	خضوع اعظم حکا و رساحت انور اعلی
۲۳۰	تشریح بردن محل تیا سفهای بدایت	۱۹۹	فرمایشات مبارک بعض اعظم ایران
۲۳۱	تتمیت جوانان ترک در سفر مبارک	۲۰۰	خطاب طلعت انور بستر و سس موزر
۲۳۲	عبارتی از روزنامه‌های هنگاری	۲۰۴	بیان تحذیر از اختلافات و تعصبات
۲۳۳	محل خطابه دلبرپایان در تالار آلمان	۲۰۶	حکایتی از ایام مبارک در طبرستان
۲۳۵	تشریح پروفسر و امبری در بدایت	۲۰۸	مسافرت مبارک از فرانسه به آلمان
۲۳۶	شرفیابی روسای مجامع بضر انور	۲۰۹	تشریح اجبای آلمان در استکارت

۲۳۹	کسالت مزاج اقدس در آلمان	۲۷۰	تاریخچه پروفیسور امبری بحضور مبارک
۲۴۰	عبارات مبارکه در باره اطفال	۲۷۱	انجمن تورانیان در تالار سبوحان
۲۴۲	وعدت عالم انسانی و صلح عمومی محال نه	۲۷۳	دین الله جامع جمیع مسائیل الهیه است
۲۴۴	وداع طلعت پیمان بادوستان آلمان	۲۷۷	بیان مبارک در مراتب آزادی
۲۴۵	حرکت موکب مبارک از استنگارت	۲۸۰	عنایت مبارک از بدایت سیمت وین
۲۴۸	بیانات بهیكل تقدیس در شهر پاریس	۲۸۲	تشریف فرمائی بجمع تیا سفیهای دین
۲۴۹	بیان مبارک در باره سفر آلمان	۲۸۴	بیانات مبارکه تیا سفیها
۲۵۳	خطاب مبارک بعضی از دوستان غرب	۲۸۷	فرمایشان مبارک بعض تیا سفیها
۲۵۵	حاکیمان در قید قهرند و روحانیان فکر قبر	۲۸۸	بعض بیانات مبارکه بایرانیهای معتمدین
۲۵۶	رؤیای مبارک در شهر پاریس	۲۹۰	انجذاب بعض تیا سفیهای دین در محضر انور
۲۵۸	نصائح مشفق باحتیاسی الهیه	۲۹۱	مراجعت موکب مبارک با استنگارت
۲۵۹	بیانات مبارک در تبلیغ امر الله	۲۹۲	ترجمه مضمون یکی از روزنامه های آلمانی
۲۶۰	آینه طبیبیت و آئینه انسانیت	۲۹۵	محل خطابه مبارکه در تالار برگر میوزم
۲۶۳	بیان اصطلاحات و معانی انجیل	۲۹۷	بیانات مبارکه باحتیاسی آلمان
۲۶۵	در امر بهائی محل ستری نیست	۲۹۸	مهر و محبت طلعت پیمان نسبت بکودکان
۲۶۷	سؤال از اکل حیوانی و معاشرت با بهائم	۳۰۳	دعوت تونسول شوارز محترم
۲۶۹	سؤال از شخص نیکو کردار غیر مؤمن	۳۰۴	نصائح مبارک باحتیاسی استنگارت

۳۴۶	بیان مبارک در باره ایران	۳۱۲	مقصود مظهر مقدسه از ادقاریا نبوده
۳۴۷	حرکت موکب مبارک از پاریس	۳۱۳	عید مبعث و مولود و بیان بیت اطفال
۳۴۸	مسافرت مبارک از مرسیلیا پور تسعید	۳۱۶	جواب بعض اعتراضات درباره اسلام
۳۴۹	بیانات مبارک بعضی از اهل هند کشتی	۳۲۲	بیان مبارک در خصوص ریاضت شاقه
۳۵۲	فرمایشات مبارک در خصوص نشر نجات التبت	۳۲۴	مغل اجبا در منزل سیو و مادام دینون
۳۵۴	ورود موکب مبارک پور تسعید	۳۲۸	ذکر بعضی از احبب و صاحبین
۳۵۶	ولوله مسافین کوی دلب سپیان		(تأثیر امر الله بفلک اشر رسد)
۳۵۷	نطق مبارک برای مسافین در پور تسعید	۳۳۰	(و تمدن اروپا منتهی بزجر عالمگیر شود)
۳۵۸	خطاب مبارک مسافین و زائرین	۳۳۱	پیام مبارک بجهت اجبای آلمان
۳۶۱	سؤال و جواب بعض مسجیان در محضر مبارک	۳۳۲	در اعمال حسنه حسن نیت لازم
۳۶۳	جناب آقا میرزا جعفر بانی مسافر خانجیفا	۳۳۳	سرور حقیقی در توکل و تفویض است
۳۶۴	مسافرت مبارک از پور تسعید با سمیلیه	۳۳۴	علوم ظاهره باید بانوایای خیریه توأم باشد
۳۶۶	بیان حال و مقال مصرین	۳۳۵	حکایتی از آیام مبارک که در بغداد
۳۶۷	مقاله المودیکلی از جرائد ممتد مصر	۳۳۷	سؤال از اعمال طسئیه غیر مؤمنین
۳۶۸	موضوع و سجود میرزا مهدی که الداعه ابود	۳۳۹	سؤال از مسئله جبر و تفویض
۳۶۹	حکمت تبعید حضرت بهاء الله بارض مقدسه	۳۴۰	تشریف یکی از بزرگ زادگان ایران
۳۷۰	انگرافاست مبارک ب طهران	۳۴۱	وداع مبارک با دوستان پاریس

حرکت مرکب مبارک از بر مصر بارضائیک

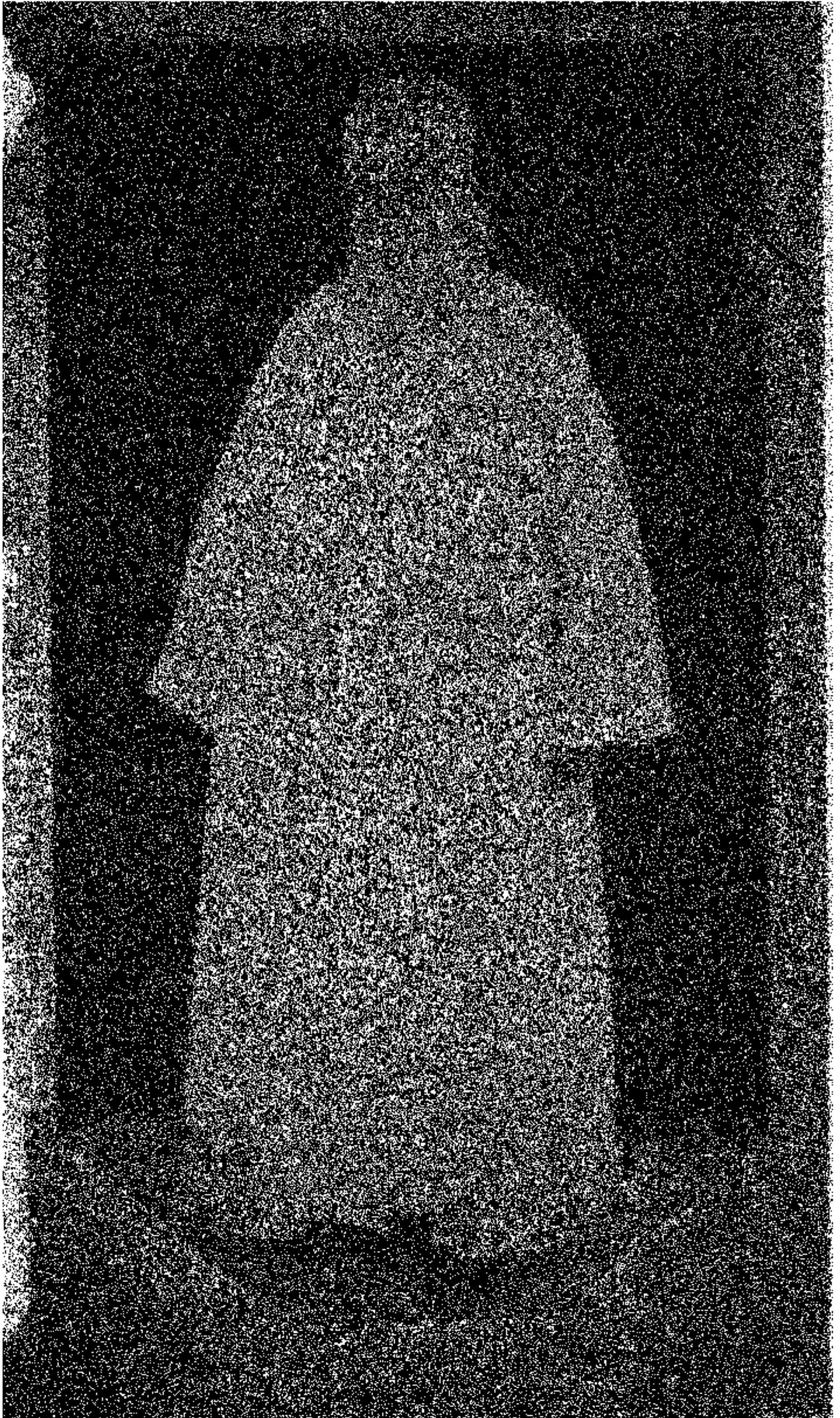
۳۷۲

پهلۀ اجباد در زیارت روضه مبارک کبابی ۳۷۴

قلب احدی حسنین نصرتی خطور نمی نمود ۳۷۵

جزو آخر قصاید و غزلیات تمجید دلبهر پیمان ۳۹۲

خمش



تذیق الکتب

اسفار مولی الاحیاء
الی ممالک المغرب
باعتناء والافتداری

جلد ثانی

درگری پریش ۱۳۴۰ مطابق سال ۱۹۲۱

مترجم طبع محفوظ

بنام ایزد توانا

تالیش آفریننده داد و دهش را که آسمان هستی را برپا تو آفتاب بخشش باری است و سپهر آفرینش را
بستاره های دانش بخش تابان ساخت جانهای پاک را سرود آسمانی آموخت دلگامی پاک را
بخش مهر یزدانی برافروخت گیتی را ز پیام آسمانش جان و روانی تازه بخشید تخمها را بفرزدهایش
تاب تو ای بی اندازه داد همه بندگان روی زمین را بر سر پرده یگانگی خواند و بارگاه بلند
آشستی را آرزو نگاه دل جان جهان نمود کشور با ختر را بتایش خورشید خاور و روشن کرد دماغ
جان آزادگان را بوی خوش سر و شستان پیمان رشک گزار و گشن فرمود سران و سرداران خهترا
ببند بندش در آورد و مو شمنان خاور را بفرود یاری و مدد خداوند گایش آئین رستگاری داد
تا مغبوط اعم دنیا گردند و سبب سعادت سردی جهان و جهانیان شوند چه که لم یزل و لا یزال است الهیه
بر این بوده و قوه خارق الهاده و حجت ربانیه چنین ظاهر بمانع گشته که آن ملک ملکوت جلال مطلق
مقدسه خود را از میان قوم و ملتی که مؤخرترین احزاب و اعم بوده اند برانگیخته و بقوه مغیوب بر عزیزترین
فل عالم تقدم بخشیده بدون قوا و ملکیه و علوم کتسبیه بر ادیان اقوام عظیمه غالب ساخته و اعظم سلسله
اتحاد قبائل و اجناس مختلفه قرار داده چنانکه بطور حضرت تبارکیم آن سلاله پاک را برکت و عزت ابدی
کرم فرمود و بخت موسای کلیم اسیران اسرائیل کشور و دیهیم جهانبانی داد بنفس سبحانی ظل تفرقه اشور
و کلدان و مصر و سران را بر روح یگانگی و اتحاد زندگی سردی بخشید و بقیام طلعت محمدی اقوام قبائل

جاییه بادیه عرب وراثت و خلفاء فی الارض گردانید تا این عصر نورانی و قرن همانی که تابخشش
 خود را از افق ایران مشرق و تا بان فرمود و مشرق زمین را مطلع فیض قدیم و نور عظیم نمود هزاران نفوس
 مشتمه را با نور هدایت الهیه نورانی کرد و فیلسوفان شهر غیب را دلداد و دلبر مشرق فرمود پس در آنست
 که دانشمندان خاور بالاخص موشمندان ایران از این افتخار و شرف نوره و اطربا و نعمه یا بشری بکشتگان
 کشاند و آهنگ در و درت و دورا با چنگ و دف در و دبرانید در این میدان بخشش خانگی
 سبقتی زیابند که آثار عظمتش در دو جهان پاینده و پایدار ماند و در این فضای جانفزا علم سعادت
 بلند نمایند که پرچم عزتش بر در قرون و اعصار موج بر آفاق زند در عالم وجود بخشش و حرکتی کند که آیت
 باسره این ظهور عظیم و عصر اقدم گردند از افق کله مبارک که سوف یظهر الله کنوز الارض و هم رجال یضرو
 بقوه من عنده چون کوكب مع طالع شوند و دعو و مضمونه شد خلف سراق اقدس عباد یظهرن الارض
 و یضرن بذالامر و لن یخافن من جهید و لو یجارتین معمم کل الخلاق جمعین با مصداق کمال گردند
 اگر ابل عالم در تعالیم مقدسه این امر عظیم و ششون عظیمه این سفر مبارک بنظر انصاف دیده بنیانگر
 و در مرتب عظمت و جلال و هیمنه و استقلال طلعت نور عبده ایضا (روح الوجود و لوجود و الهداء) در بدن
 بلاد امریکا و اروپا نائل و تفکر نمایند خود زینسله را حتی اتم و برانی اقوم بر حقیقت ظهور جمال قدم عز کبریا
 یابند و آیت کبری طوع شمس حقیقت از افق علی و ملکوت بھی مشاهده کنند با سرار و حقائق ادیان الهیه
 پی برند و از ظلمات تعصب و تقلید بغضای نورانی وحدت و توحید توحید نمایند جمع اتم متکتابین
 امر عظیم را وسیله حیات و سبب نجات جویند و تمام من علی الارض ترویج این تعالیم مقدسه را بر خود فرستند
 علی بخصوص مشرقیان که خداوند بی انبار رهس افتخار آمان را باز با کلیل و تاج و باجی مزین فرمود

که غبطه جهانیان شوند و در دو عالم بزرگوار و سرفراز گردند اهل الله تبارک و تعالی ان بحکم
 مستعدین لهذه الموهبة الکبری شاکرین لهذا التمهيد العظمی حافظین لهذه العزوة الابدیة ناشیرین الاوامر
 المقدره اتی بها یقوی کل ضعیف و یزک کل ذلیل و یسینی کل فقیر و یسفی کل علیل و یجالی الارواح الی اوج
 الفلاح و النجاة و معارج الصلح و اصلاح امة لعلوا لربنا حسیم ذوالفضل عظیم و له الحمد المنة که بصرف فضل و
 کرم عمیش این عبد مسکین تجرید قایم همه مسافرت مبارک بمالک امریکا موفق شد و با تمام تقدیم
 جلد اول «بدائع الآثار» مؤید گشت اینک پس از مقدمه فی تحریر آثار با هر سیر و سفر طلعت النور
 در مدن و بلاد اروپا و اتمام جلد ثانی مشغول بافق عون و عنایت الهیة متوجه و از ملکوت صیون
 حمایتش سائل و آمل که با آنچه شایسته عظمت لبر و قوت و قدرت میثاق اوست متذکر و آگاه گردد و از
 سهو و نسیان محفوظ و مصون ماند اوست حافظ و ناصر و معین و هوالمؤید العظیم حکیم اعظم شون
 همه فی که از مطالعة این اوراق نظر ناظرین میرسد همانا عظمت و اقتدار حضرت عبد البهاء روحی
 لربا بقدام اجبانه الفداء در کنائس و محافل عظمی است و انقلاب و خضوع مشاهیر فلاسفه و عظیم خشیع
 رؤسای دینی و فرق مختلفه که علاوه از انجذاب قلوب و دستان در محافل بجا نیان در سایر مجامع
 و محافل نیز تاثیر و نفوذ نطق و بیان مبارک همیشه مقلب قلوب نفوس خیره بود و سبب توجه و تعظیم سخنان
 جلیله و این قضیه راجحی هموطنان محترمی که در لندن و پاریس بودند اکثر مشاهده نموده شهادت به
 عظمت و اقتدار میدادند از این قبیل امور عظیمه چنانچه بعضی در مقدمه جلد اول نگاشته آمد بسیار
 و نتائج قدرت و قیام و نطق و بیان مبارک در مالک امریک و اروپ و بنهار و تعجب این است که
 اول محاندین این امر در ایران این قدرت و اقتدار را نتوانستند انکار نمایند چنانچه در طهران

بجا نیش که اکنون ستر و جبراً در اکثر دواثر سیاسی ایران بد فطره و خلل در امور مشغولند مگر گفته اند
 که حضرت عباس افندی اسباب اشیا، نفیسه و مبالغه حظه کبشیشاکناس و روسای مجامع داده
 و باین سبب آن نفوس محترمه غیب در باره ایشان چنان غرت و احترامی را در معابد و مجالس
 مجری داشته اند که قدرت در نیت که بر عزت و احترام سبک انور و خضوع و تعظیم نفوس محترمه
 در مجامع همه غیب لسان معاندین شرق شهادت داد و نهایت نیت که چون از قوه نافذ
 غالبه کلمه الله که همیشه بدون وسائل ملکوتی مرتبی نفوس مستخار روح و قلوب گردیده غافل
 بودند لهذا بوجه و گمان خود سبب نفوذ امر الله و اقتدار حضرت عبدالجبار بادل اموال تصور
 نمودند بی تصور بادل و کرم سبک اکر مکی از آثار با بهره بی بوده که هماره سبب بظلم نفوس گشته
 ولی بجهت رعایت ضعفا و اعانت فقرا یا اگر روزی همان شخص محترمی بوده اند و یا همان
 عزیز داشته اند و چنانکه در میان امالی هر ملکیتی رسم است که در ملاقات آفریادگاری بدو
 محترم خود میدهند و جو مبارک نیز هنگام وداع بنفوس اطهار فضل و عنایت نموده از احد
 قبول بدیهی نفرمودند ولی گمان اینگونه فضل و کرم دستغنا و استقلال در مقام خود نرا بل
 انصاف دلیل بر علو عظمت و جلال و ستورفت و کمال مشرق الطاف است اما پنجهان که حضرت
 بوجهم و غرض خود تصور نمودند که بزخارف فانیه ممکن است قلوب منقلب شود و حقائق نفوس
 مختلفه در ظل کلمه واحد متفق گردد اگر ممکن بود باینی با آن ثروت و استعداد یکی در مکاتب
 مدارس علمی و اقتدار و نفوذ سیاسی بیشترین دیانت مسیحیه چنانکه آمال دل و جان آنهاست در
 دعوت اتم شرق کامیاب گردند چرا باید بجا نیشانی که مبعوض و منضوب عباد و مطرود مسجون

بلاد بوده اند در ممالک متهدنه غریب باین درجه محل توجه نفوس و سبب انجذاب قلوب شویند
 در فرسند و ستان نفوس کثیره در بلا مختلفه هند که عال استمرات دولت قوی شوکت
 انگریز است ملاقات می نمود که همه آنها چون از طفولیت در قراء و مزراع در نهایت فقر و
 فلاکت بوده اند بشرین مسیحیان بشرط قبول دیانت مسیح آنان را بمدارس خویش برده لباس و
 خوراک و تعلیم میدادند و هر روز از کتب مقدسه و مسائل دینی میآموختند حتی در آن مدارس و
 محلات متعلقه بانها خدام و ملازمینی را که بجهت خدمت مصاریف و مواجب میدادند بدون
 قبول دین مسیح هیچیک را برای خدمت اختیار نمی نمودند بل همیشه در معايدات اوقات معینه حاضر
 شده مسائل روحانیه تعلیم میگرفته اند معذکات بعد از چند سال تحصیل چون از مدارس و محلات
 مسیحیان بیرون میآمدند مثل سایر امانی هند بجماعت ملت و مذہب قدیم خود برمیگشتند و در تعصب
 جنسی و وطنی بیشتر ثابت و راسخ میشدند و جمیع مساعی و مصاریف بشرین معلمین مسیحیه در عالم
 دیانت بی نتیجه میماند بلکه در عالم سیاسی نتیجه عکس می بخشید پس در نشر هدایت الهیه تأیید
 بقوی لازمست نه صرفاً اموال فانیه دنیاچه اگر تأیید الهی با آنها بود اساس دیانت الهیه را از
 احاطه و رخنه مادیین غریب صیانت و حفاظت می توانستند نمود تا روحانیت محضه و مدنیت الهیه
 که اساس راحت و سعادت بشریه است مقاومت مدنیت مادیه کند بلکه بتأییدات با
 برآزادی و تمدن مادی که نتیجه و نهایتش حیوانیت صرفه است غلبه نماید و حقائق و ارواح
 نفوس انسانیه را بمقامات قدس باقیه کشاند و امروز این تأیید و نصرت مؤید امر جمال قدم حامی
 یشاق سر الله الاکرم است که با وجود ابتلای ببلایای شدید و نهیب اموال و آوارگی در اقالیم بلاد

و قبول سخن عظیم در اندک زمانی کلمه الله را منتشر در افطار عالم و تعالیم تسلیم علی را نافذ و رفته
 ام فرمود و شعله شمس حقیقت از افق شرق جهان بر قوسی بلا و غرب افتاد که بجز در انقلاب بود
 در مملکت عثمانی و آزادی طلعت عهد یزدانی علاوه از بھائی‌ان امریک نفوس سائره از روسکا
 کنش و مجامع همه انجام دعوت نامه های مخصوصه بجز طهر فرستادند و بجهت ادب و خطاب و
 بیان تعالیم بدیهه مکرر استعدای مسافرت مبارک ببلاد خویش نمودند بی آنکه حضور نور رسیده
 باشد یا بدیهی از زخارف فانیه گرفته باشند اگر ان معترضین از این دعوت نامه های قبل از
 مسافرت حضرت مولی الوری آگاه بودند عزت و احترام مبارک را بجز بقوه الهیه بجز دیگر
 نسبت نمیدادند و یا هر گاه فی الجمله تفکرمی نمودند که آیا چنان ثروتی که باین اندازه سبب
 نشر امر الله و عزت کلمه الله در ان ممالک معموره شده از کجا آمده فوراً ملتفت میشدند که
 این ثروت از کجوز ملوکات ابھی است و این نصرت و حمایت از جنود ملا علی این عزت و
 عنایت نصرت عالم بالا از سناج بلایای فی سبیل الله و ترک جان و مال و عزت و آسودگی قبول
 زجر و ملال و ذلت و آوارگی اجبای جمال ابھی است که تا کسی بان محبوب یکجا نموده همیشه
 مبتلا و اسیر بودند و در تحت تهدید تیغ و شمشیر -

باری چون موکب مبارک روز ۲۷ ذی حجه سنه ۱۳۳۳ (۵ دسمبر ۱۹۱۲) از امریکا بسمت
 انگلستان حرکت نمود پس از ذکر تأیید و نصرت جمال قدم و امم عظیم از لسان اطهر این بیانات
 مبارکه جاری که در اهمیت این سفر بعد معلوم خواهد شد تا حال چنین امری واقع نگشته در هیچ
 عصری دیده نشده که نفسی از شرق با قوسی بلا و غرب مسافرت نماید در لیستیکه در تبلیغ

امر الله و تعالیم بدعت و مسائل الهییه در معابد و مجامع امم مختلفه چنان قائم و ناطق گرد
 که حسدی را مجال انکار و اعتراض نماند بلکه کل مفتون و مجذوب شوند و نهایت عزت
 و احترام را اظهار نمایند حضرت مسیح در مملکت خود چند مرتبه بیت المقدس و مجامع هر ایلیان
 داخل و نبصاح و مواظب مشغول شدند ملاحظه نماید که بعد علمای سیحیه چگونه این مسئله را بهیت
 دادند دیگر معلومت این سفر چه اهمیتی پیدا خواهد نمود که مادر کنش عظمی و مجامع کبری با علی اند
 ندای **بسم الله** بر آوردیم و با فصیح بیان داتم بر همان بشارت بملکوت الله دادیم و
 بیان تعالیم جمال مبارک پر خستیم در معابد یهود با ثبات دیانت مسیح و حقیقت سلام بر خستیم
 در کنائس مسیحیان بذكر عظمت و بزرگواری محمد رسول الله ناطق شدیم در مجامع اشتهر کتون
 قوانین نظام و آسایش عالم افریش را شرح دادیم در محافل مادیون قوه فارق العاده
 ماوراء الطبیعه را ثابت و محقق نمودیم کویسگره های صلح دکانفر نسهای امم ندای جمال قدم را
 بلند کردیم و با آنچه که سبب انتشار صلح عمومی و ترویج وحدت عالم انسانیت زبان گشودیم مقسمی که
 در هر مجموعی جمع اعناق خاضع شد لسانها بتائیش ناطق گشت دلها بمنجذب بنفحات الله گردید
 و جانها مستبشر به بشارت الله دیگر به بینید چه خیر است از استماع این کلمات مبارکه
 و آن ناله داخراق حبتای مشتاق که هنگام وداع در اسکله نیویورک از هجر و فراق لبر
 یشاق مرتفع دلهای ملازمان حضور در نهایت رقت بود و عقول از مشاهده آن قدرت و
 عظمت در غمها درجه حیرت که این چه بساط عزت و جلالی است و این چه جمال بیثالی ملترین
 رکاب مبارک در سفر سه نفر بودند جناب میرزا احمد سهراب قاتید اسد الله و ابید فانی (محمود رفق)

ادطاق مبارک در کشتی سلطنت (از کمپانی وایت ہستار لین) درجہ اول در طبقہ
 فوقانی بود و منزل خدام ہستان در درجہ ثانی اما غیر از وقت خواب خوراک سایر اوقات
 در درجہ اول بمحض انور مشرف ہر روز صبح و عصر چای بہت حضور مبارک بطرز ایرانی طنجہ شد
 گاہی در ادطاق مبارک و گاہی ببردن چای میل میفرمودند و اکثر ایام قبل از نماز و شام
 جلوی ادطاق مٹی و گردش می نمودند ان روز نماز را سر نیز میل فرمودند ہوا بسیار خوب
 بود و دریا آرام و طلعت انور در کمال سردی و بہت شب خانم محترمہ بی کہ در درجہ اول بود
 و از اجتماع خطابہ مبارک در کشتی قبل از حرکت بسیار منجذب و بواسطہ اجبای نیویورک اذن حضور
 خواستہ بود مشرف گردید پس از حصول اجازہ نشستہ عرض نمود حال مبارک در سفر دریا چگونه است
 فرمودند دو کاریکہ خدا در جلو انسان می گذارد و لا بد طاقت ہم میدہد ما نباید ہمیشہ با سائش
 تن ناظر باشیم بلکہ باید طلب مقصود و مقصدی عالی نمایم و لو منافی راحت تن باشد عرض
 کرد من از زحمت موت نیز ہم فرمودند پس کاری بکن کہ ہرگز نمیری بلکہ روز بروز زندہ تر شوی
 و حیات ابدیہ جوئی نفوسیکہ داخل ملکوت الہی می شوند بفسرہ ہوہ حضرت مسیح نمی بینند
 پس تو داخل ملکوت الہی شو تا از مردن نہ ترسی انسان باید حیاتی خواہد کہ انتہائی
 نہاشتہ باشد این حیات جہانی چند روزی است این خواب خوردنہتی میشود اہمیتی ندارد
 حیاتی باید جست کہ فائدہاشتہ باشد و روزی کہ شب ندارد و سردی کہ اورا غم از پی
 در نیاید ہمت بلند کن باین حیات و راحت جہانی قناعت نما (بعد از آرامی دریا و
 سکون کشتی مذاکرہ بمیان آمد فرمودند) باید در کشتی الہی سوار شد زیرا این عالم دریای

پر انقلاب است. جمیع خلق روی زمین که بیش از دو ملیارند تا صد سال دیگر همه غرق
 میشوند مگر نفوسیکه در کشتی الهی سوارند آنها نجات یابند. ان کشتی کشتی ملکوتی است
 آسمانی است هر کس سوار آن شود ابداً غرق نمی شود چه قدر پادشاهان آمدند چه قدر
 بزرگان در دنیا بودند که همه غرق شدند اما حواریان مسیح محفوظ ماندند مقصود نسبت
 نفوسیکه بنور الهی منور میشوند همیشه از اقیانوس عزت ابدی میدرخشند انسان باید عاقل باشد
 قناعت باین حیات دنیا نماید که روز دیگر منتهی میشود عاقل باید حیات ابدیه طلبد و
 عزت سرمدیه جوید (عوض کرد آیا این نفوس غیر عاقل فانی میشوند فرمودند) بقای آنها
 نسبت بنفوس مقدسه مانند فاست مثل این خوب که وجود دارد ولی نسبت بعالم انسانی
 حکمی ندارد پس حیات و بقای اشخاص ناسوتی باین نسبت بقا و حیات ملکوتی حیات گفته
 نمیشود اگر این حیات جسمانی ایهتی داشت حضرت مسیح قبول صلیب ننمود این حیات
 پنج روزه همه غم و غصه است هر روزی غم آملی یا داغ غریزی یا حادثه عجیبی است این
 چه حیاتی است حیات حیات ابدیه است در سفر امری باش که پاینده است تا از
 مردن نترسی و خود را همیشه زنده بینی قوت قلب داشته باش انسان باید قلبش زنده
 باشد روحش متبشر و ادراکش وسیع باشد و الا مانند حیوان است بلکه ذلیل تر
 ازان اگر شرف و رزندگان انصری باشد طیو خیلی بهتر از انسان زندگی نمایند
 انسان چه قدر باید زحمت بکند و بجهت زندگانی قبول مشقت نماید اما مرغان کوه و صحرا
 بدون زحمت در بلندترین قله های کوهها یا شاخهای درختها منزل دارند و جمیع صحراها

منظر آنهاست و همه فرمونها و دانه ما ثروت آنها هیچ انسان چنان آسایشی ندارد اگر
 راحت جسمانی باشد البته آنها زندگی گانیشان عظم از زندگی انسان است انبیهی از این قبیل
 بیانات مفصله فرمودند تا موزیک شروع شد و نوای نغمه و ساز و پیانو بلند گردید زیرا
 شبانه روز چند مرتبه بعد غذا بجهت تفریح و تفتن بر کتاب کشتی دسته موزیک در ایوان
 داخل کشتی بنواختن مشغول و آن شب شام و طعام مبارک را ملازم جهاز ساعت نه باو طاق
 مبارک آورد
 روز ۲۷ ذی حجه (۶ دسمبر) صبح بخام گرم

تشریف بردند بسیار راحت شدند و اظهار مسرت از تمام فرمودند وقت ناهار باز از روز
 سه مرتبه تشریف بردند چون طعام تناول نمودند به پیشخدمت باشی فرمودند که «در کرسی میز
 من دم در است اینجا سرد است شما میز در کرسی خالی دارید کرسی مرا جای دیگر قرار دهید»
 بعد از آن دک استراحتی در داخل سالون چای میل نموده انگاه قدری مشی فرمودند چون
 دوباره جالس شدند از جمله بیانات مبارکه این بود که «در ممالک امریکا تخمی افشاندند
 نفوس خیلی بمرکت و هیجان آمدند دیگر تا خدا چه خواهد احمده لله ما بفرموده حضرت مسیح
 عمل نمودیم از هر شهر و دیاری که عبور کردیم گرد و غباری برکشید و در من مانشت و در اینجا
 بقطع نشرفعات الله و اعلاء کلمه الله شد انبیهی شب شام مبارک را ساعت ۹ ملازم
 جهاز باو طاق مبارک برد و پس از تناول شام زود استراحت فرمودند

روز ۲۸ ذی حجه (۷ دسمبر) صبح بیکل اقدس بسیار شادمان بودند و قلب اطهر
 بی نهایت مسرور فرمودند و شب راحت بودم بخمیشد در ایام آرام است و کشتی با سکون و

بعد عرض اجبای اطراف امریکا که هنگام وداع بحضور انور تقسیم شده بود ترجمه میشد
و بعضی مبارک میرسید تا وقت ناهار که سر میز تشریف می بردند خیلی سرا بود چون از
دور دیدند که باز کرسی مبارک را دم در نشان میدهند مراجعت نمودند و دیگر تشریف
نبردند فرمودند شرفیبا با اینها چون درست معامله نکرده اند لهذا اینها هم اهل شرق را
بنظر حقارت می بینند من محض عزیز و تأویب تربیت این اشخاص چند روز ریاضت نمود
قبول می کنم و با آنها اعتنائی نمایم بعد از آن چه بحضور مبارک مشرف شده رجاء تشریف
فرمائی سر میز نمودند تشریف نبردند و قبول غذای آنها فرمودند و سبب را هم با آنها
گفتند تا خودشان فهمیدند و عذر خواهی کردند ولی هر روز با آنها بخشش شیره عنایت میفرمودند
و پیشخدمت‌ها را انعام شایان میدادند چند مرتبه هم بر ایشان چند جعبه مرحمت فرمودند آخر
روزی فرمودند من سر میز خواهم آمد ولی چند روز میخواهم قناعت داشته باشم
والا شرفیبا تکلی نمی دارند بکن اروپائی ما کتاب جهاز را محکوم خود تصور نمایند ولی ما
جمع راهندگان خدا میدانیم و جمیع را بیک نظر می بینیم خلاصه هر وقتی باقیم صحبتی و در ضمن
صحبت حکایت نصیحتی میفرمودند تا آنکه آن نفوس نجس تمام حضور مبارک چون میرسیدند از
دور تواضع می کردند و از صمیم قلب اظهار خلوص مینمودند باری ان روز اکثر اوقات
مبارک بصدور جواب عرض بعضی از اجابگشت و شب غذای مبارک قدری کته دست
کیده انداخته بود که حسب الامر آقا سید اسد الله حاضر نمود

روز ۲۹ ذی حجه ۸۰۸ و صبح عصر در مسائل حکمت الهیه الراجی مفصل